



دکتر مهدی واحدی

مراقبت از روابط عاطفی در عصر هوش مصنوعی

هوش مصنوعی چشم‌انداز آموزش و تربیت را به طور جدی تغییر داده است و معلمان بیش از هر زمان دیگری نیاز دارند از ملاحظات اخلاقی مرتبط با استفاده از این فناوری آگاه باشند. در حالی که هوش مصنوعی می‌تواند تجربه یادگیری را غنی‌تر کند، چالش‌های اخلاقی جدیدی نیز در پی دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

- ◆ **حفظ کرامت انسانی و جایگاه معلم:** آموزش بر پایه ارتباط انسانی و تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد و هیچ الگوریتمی نمی‌تواند جایگزین درک عمیق، همدلی و خلاقیت معلم شود.
- ◆ **حفظ عدالت و بی‌طرفی در آموزش:** سامانه‌های هوش مصنوعی بر پایه داده‌هایی آموزش دیده‌اند که ممکن است حاوی تعصب‌های پنهان باشند. اگر معلمان بدون بررسی دقیق، از هوش مصنوعی برای ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان استفاده کنند، ممکن است برخی دانش‌آموزان را ناعادلانه در شرایط نامطلوبی قرار دهند.



حفاظت از حریم خصوصی و اطلاعات شخصی

دانش آموزان: استفاده از سامانه‌هایی که اطلاعات دانش آموزان را بدون رضایت آن‌ها یا والدینشان ذخیره و پردازش می‌کند، می‌تواند مخاطرات حقوقی و اخلاقی زیادی در پی داشته باشد.

استفاده مسئولانه از محتوا و منابع تولیدشده

توسط هوش مصنوعی: استفاده غیرمسئولانه (بدون بررسی صحت و اعتبار علمی) از محتواهای تولیدشده توسط هوش مصنوعی می‌تواند به نشر اطلاعات نادرست و تحریف‌شده منجر شود. معلمان ضمن استفاده از هوش مصنوعی، همچنان باید اصول تحقیق و بررسی منابع علمی را حفظ کنند.

پرورش تفکر انتقادی در دانش آموزان: تفکر

انتقادی مهارتی است که در عصر هوش مصنوعی بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. دانش آموزان باید بیاموزند اطلاعات را چگونه تجزیه و تحلیل کنند، صحت منابع را بررسی و نقش هوش مصنوعی را در شکل‌گیری دیدگاه‌هایشان درک کنند.

مدیریت وابستگی به فناوری: معلمان باید میان

استفاده از فناوری و روش‌های سنتی آموزشی تعادل منطقی برقرار کنند و همواره به تقویت مهارت‌هایی انسانی همچون تعامل اجتماعی و ارتباط عاطفی توجه داشته باشند.

با گسترش استفاده از هوش مصنوعی در آموزش، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها، کاهش تعامل عاطفی و انسانی بین معلمان و دانش آموزان است. ارتباط انسانی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند یادگیری است و جایگزین شدن ابزار هوش مصنوعی در برخی جنبه‌های تدریس می‌تواند این رابطه را کم‌رنگ کند. درباره اینکه این مخاطره چگونه رخ می‌دهد، در چند بند توضیح خواهیم داد:

۱. کاهش تعامل حضوری: استفاده بیش از حد از

ابزارهای دیجیتال و هوش مصنوعی ممکن است موجب شود تعامل رودررو بین معلم و دانش آموز کاهش یابد. وقتی فرایند آموزش به جای گفت‌وگوهای کلاسی و فعالیت‌های گروهی به تعامل با سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی محدود شود، دانش آموزان برای برقراری ارتباط انسانی با معلم فرصت کمتری خواهند داشت.

۲. اتکای بیش از حد به ارزیابی‌های

هوش مصنوعی: برخی معلمان از

ابزارهای هوش مصنوعی برای

ارزیابی عملکرد دانش آموزان

استفاده می‌کنند و این امر ممکن است تعامل مستقیم بین معلم و دانش آموز را کم کند. در چنین شرایطی، ممکن است معلمان کمتر از قبل نیاز داشته باشند به صورت فردی با دانش آموزان صحبت کنند، وضعیت آن‌ها را بررسی کنند و بازخورد شخصی ارائه دهند.

۳. کاهش نقش معلم به عنوان راهنما: این

کلیدواژه مهمی است! در دوران معاصر به طور دائم عنوان می‌شود که معلم دیگر فقط نقش راهنمایی و تسهیلگری را دارد. این به چه معناست؟ یعنی دیگر نقش تربیتی، پرورشی، تعلیمی و آموزشی معلم از میان رفته است؟ در واقع درست است که معلمان دیگر نقش انتقال‌دهندگی اطلاعات را ندارند، اما هنوز در شکل‌دهی شخصیت، اعتماد به نفس و انگیزه دانش آموزان نقش مهمی دارند. اما اگر ابزارهای هوش مصنوعی وظایفی مانند توضیح مفاهیم، پاسخ به سؤال‌ها، و هدایت فرایند یادگیری را به طور کامل بر عهده بگیرند، نقش معلم به عنوان مربی و الهام‌بخش ممکن است کم‌رنگ شود.

۴. ایجاد وابستگی بیش از حد دانش آموزان به

فناوری: در برخی موارد، دانش آموزان ممکن است به تعامل با هوش مصنوعی بیش از ارتباط با معلم علاقه نشان دهند. این وابستگی می‌تواند موجب کاهش مهارت‌های ارتباطی، توانایی دریافت بازخورد انسانی، و درک عواطف و احساسات در محیط آموزشی شود.

برای مدیریت این شرایط راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌شوند:

اولویت دادن به تعامل حضوری و گفت‌وگوهای

کلاسی: به جای سپردن تمامی فعالیت‌ها به ابزارهای هوش مصنوعی، می‌توان جلسه‌های بحث و گفت‌وگوی گروهی، فعالیت‌های مشارکتی و فرصت‌های مکالمه مستقیم را در برنامه آموزشی گنجاند.

دادن بازخورد شخصی و انگیزه‌بخش به

دانش آموزان: به جای اتکای کامل به ارزیابی‌های خودکار، معلمان باید به هر دانش آموز به صورت فردی توجه کنند. ارائه بازخورد شخصی، تشویق و حمایت از دانش آموزان می‌تواند رابطه بین معلم و دانش آموز را تقویت کند و حس ارتباط و انگیزه را در آن‌ها افزایش دهد.

ترکیب آموزش انسانی با ابزارهای هوش مصنوعی:

به جای استفاده افراطی از هوش مصنوعی، معلمان می‌توانند از فناوری به عنوان ابزار کمکی و تکمیلی

استفاده کنند.

تقویت مهارت‌های ارتباطی

دانش آموزان: یکی از راه‌های کاهش تأثیر منفی فناوری، آموزش دانش آموزان برای حفظ مهارت‌های ارتباطی انسانی است. معلمان می‌توانند جلسه‌هایی تمرینی برای مهارت‌های گفت‌وگو، شنیدن فعال و ابراز احساسات برگزار کنند تا دانش آموزان یاد بگیرند چگونه به صورت مؤثر با دیگران ارتباط برقرار کنند.

ایجاد محیط‌های یادگیری عاطفی

و انسانی: معلمان باید تلاش کنند کلاس‌های درس صرفاً فضایی برای انتقال اطلاعات نباشند، بلکه محیطی گرم و انسانی باشند که در آن دانش آموزان احساس کنند مورد توجه و احترام قرار گرفته‌اند.

معلمان در جهت‌دهی صحیح به استفاده از هوش مصنوعی در آموزش و پرورش نقش حیاتی دارند. آن‌ها باید با آگاهی کامل از مزیت‌های این فناوری بهره‌برند، اما در عین حال به مخاطره‌ها و چالش‌های اخلاقی آن توجه کنند. بهره‌گیری مسئولانه از هوش مصنوعی، نیازمند تفکر انتقادی، رعایت اصول اخلاقی و حفظ ارزش‌های انسانی در آموزش است. تنها در این صورت می‌توان از ظرفیت‌های آن برای بهبود فرایند یادگیری استفاده کرد، بدون اینکه بر معلمان و دانش آموزان تأثیر منفی بگذارد.

